

انقلاب اسلامی در گرگان و دشت



مصطفی نوری

توضیح: «این مقاله در دانشنامه گلستان (جرگان و استرآباد) منتشر شده بود و با اندکی ویرایش و تلخیص در اینجا آمده است»

انقلاب ایران به بهای مبارزات طیف‌های وسیعی از گروه‌های سیاسی در زمستان سال ۱۳۵۷ به ثمر نشست و سلسله پهلوی جای خود را به جمهوری اسلامی داد. اگر از گروه‌های متنوع که در طول دهه بیست و سی، که به مبارزه با حکومت پهلوی پرداختند، بگذریم، نقطه عطف تحركات مخالفین را می‌توان در واقعه خونین پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ جست. در اواخر سال ۱۳۴۱، آیت ... سیدکاظم نورمفیدی پس از دریافت دستورهای شفاهی امام خمینی خطاب به علمای گرگان مبنی بر مخالفت با اقدامات ضد اسلامی حکومت به سمت این شهر حرکت و علمای شهر را به منزل پدری خود دعوت کرد، اما پاسخ درخوری نشنید. (مراسان، ۱۱۷۵)



نصب پرچم سبز الله اکبر به جای مجسمه محمدرضا پهلوی در میدان شهرداری گرگان
تاریخ: بین روزهای ۱۷ تا ۲۰ بهمن ۱۳۵۷ عکاس محسن حاتم‌نژاد

وقوع نا آرامی‌ها در قم و تهران پس از دستگیری امام خمینی، در گرگان و دشت نیز کم و بیش تأثیر گذاشت. اگر چه در این حوزه «اتفاق قابل به عرض» روی نداد، (مرکز بررسی‌های تاریخی، ۱۳۸۷، ۷۰۴۱۱) اما کمیته اطلاعاتی شهرستان گرگان با حضور سران نظامی منطقه در دفتر لشکر مینعی، فرمانده لشکر پیاده گرگان، تشکیل جلسه داد و تمهیداتی برای جلوگیری از رویدادهای احتمالی اندیشیده شد و تلاش‌های عده‌ای از روحانیون و نیز هیأت پیروان قرآن گرگان به هواخواهی از امام تحت مراقبت ساواک قرار گرفت. (مراسان، ۱۱۴، ۲۸۷) از سوی دیگر، بیشتر علمای گرگان نیز در این دوران علاقه‌ای به حمایت از امام نشان ندادند. (مراسان، ۱۱۷۵۶) علاوه بر آن، در بعضی از شهرهای این حوزه چون گنبد کاووس، بندرشاه (بندرترکمن کنونی) و بندرگز، جلسه‌هایی در تأیید لوایح شش گانه مورد نظر شاه صورت گرفت و تلگراف‌هایی نیز در این باره به تهران مخابره شد. (مراسان، ۱۱۴، ۴۸ و ۲۸۶)

در چنین اوضاع و احوالی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای که جو گرگان را به کلی دور از ماجرای پانزده خرداد دیده بود، تصمیم گرفت در صفر سال ۱۳۴۳ در گرگان به منبر برود و تلاش‌هایی برای بازگویی رویداد خرداد سال گذشته انجام دهد. اگر چه ایشان تلاش‌های خود را تا آستانه‌ی دستگیری به دست ساواک گرگان ادامه داد، (مراسان، ۱۲۳۶) اما نظر قالب علمای شهر همچنان موافقتی با امام خمینی نداشت. (خارکوهی، ۱۳۸۵، ۱۸۷)

با این وجود، نباید فعالیت مذهبی گروهی از ساکنین منطقه بر ضد حکومت پهلوی را نادیده گرفت. از آن جمله به تلاش‌های «هیأت منتظرین حضرت حجت (ع)» می‌توان اشاره کرد که به رضاشاه بدبین بودند و مخالفت با محمدرضا شاه را در دستور کار خود قرار داده و به گفته ساواک، آنان «مترصد دریافت اعلام جهاد و ایجاد انقلاب در ایران» بودند. (مراسان، ۸۱۴، ۸۲) گزارش‌هایی از یخش نوار و متن سخنرانی امام در منطقه گرگان و دشت در بهار سال ۱۳۴۳ در دست است که واکنش سریع ساواک گرگان را در پی داشت. (مراسان، ۸۱۶، ۶۰)

از این نوع در بهار سال ۱۳۴۴ با فعالیت‌های نیروهای مقیم گرگان ادامه یافت که در نهایت به دستگیری ۹ نفر از آنان به دست ساواک منجر شد. (مراسان، ۶۷۶، ۳۶)

در این میان، باید از تلاش واعظانی در طی سال‌های بعد به مناسبت ماه‌های رمضان، محرم و صفر به گرگان سفر می‌کردند، یاد کرد. حمایت ضمنی شیخ ابوالقاسم حبیبی از امام در سخنرانی رمضان ۱۳۴۷ در مسجد قریه توران و ورود شیخ فضل الله محلاتی در اوایل تابستان سال ۱۳۴۹ به علی‌آبادکتول برای تبلیغ، از جمله این تلاش‌ها بود. (مراسان، ۸۴۱، ۴۲) و (مراسان، ۱۱۰۳، ۱۰۲ و ۱۰۴) شیخ حسین عمادی نیز در سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ در ماه‌های یاد شده به گرگان مسافرت می‌کرد و کسانی چون حاج عبدالنبی احمدی، سید کاظم نور مفیدی و حاج مرتضی زمردی از منبر او حمایت می‌کردند. وی در این سال‌ها با عده‌ای از جوانان مبارز رابطه‌ی تنگاتنگ داشت. سرانجام ساواک گرگان او را در آن حوزه ممنوع‌المنبر کرد. (مراسان، ۱۶۲۹)

آیت ... سید کاظم نورمفیدی نیز که در قم مشغول تحصیل بود، در محرم سال ۱۳۵۰ وارد گرگان شد. وی با گروهی از روحانیون گرگان که سابقه همفکری با امام را داشتند، ارتباط داشت. گزارش‌های ساواک در سال‌های بعد، تماماً بر تلاش بی‌وقفه نورمفیدی برای مخالفت با سیاست‌های حکومت و هواداری از امام حکایت دارد. (مراسان، ۸۱، ۴۲)

همچنین باید از سخنرانی‌های هادی غفاری در گنبد و احمد سالک در گرگان در سال ۱۳۵۶ یاد کرد که رنگ و بوی حمایت از امام خمینی را داشت. (حوزه هنری، ۱۳۷۴، ۱۷۰ و ۱۷۱) و (سیفی، ۱۳۸۵، ۱۶۳-۱۶۰)

منطقه دشت گرگان به ویژه گنبد کاووس به دلیل نامساعد بودن آب و هوا، همواره یکی از تبعیدگاه‌های معترضان سیاسی به حساب می‌آمد. مرتضی‌ناظم زمردی از جمله نخستین کسانی است که پس از خرداد سال ۱۳۴۲ به گرگان تبعید شد. وی پس از پایان محکومیت، در منطقه گرگان و دشت ماندگار شد و در تحولات آستانه انقلاب گرگان نقشی بسزایی داشت. (مراسان، ۲۲۷۰)

شیخ محمدعلی گرامی در سال ۱۳۴۴ پس از دستگیری در قم، به مدت چهار ماه به گنبد کاووس تبعید شد. در نخستین موج تبعیدهای سیاسی قم در تابستان سال ۱۳۵۲، عبدالمجید معادی‌خواه به گنبد کاووس و فتح‌الله نجف‌آبادی به بندرشاه (بندرترکمن) تبعید شدند. (مراسان، ۱۵۱۲) معادی‌خواه در خلال اقامت خود در گرگان و دشت، با عده‌ای از فعالان گرگان آشنا شد و با آنان ارتباط داشت. (معادی‌خواه، ۱۳۸۷، ۳، ۱۰۹-۱۰۳) شیخ فتح‌الله امیر نجف‌آبادی نیز که به بندرشاه تبعید شده بود، با توجه به ارتباطاتی که با حاج عبدالنبی احمدی داشت، به صورت مخفی به علی‌آباد می‌رفت و در میان عده‌ای خاص سخنرانی می‌کرد. (مراسان، ۱۱۷۷۸)

یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار که در آستانه انقلاب به گنبد کاووس تبعید شده بود، آیت الله اسدالله مدنی بود. وی که بر اساس حکم کمیسیون امنیت اجتماعی لرستان به گنبد کاووس تبعید شده بود، در اواسط مرداد ۱۳۵۶ به آن‌جا اعزام شد. براساس گزارش ساواک، وی «... از بدو ورود، اکثر روحانیون این شهرستان را تحت نفوذ خود قرار داده ...» بود. مسائلی از این دست باعث شد که ساواک ادامه اقامت او را در شهرستان گنبد کاووس به مصلحت نداند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۵، ۴، ۵۵۰)

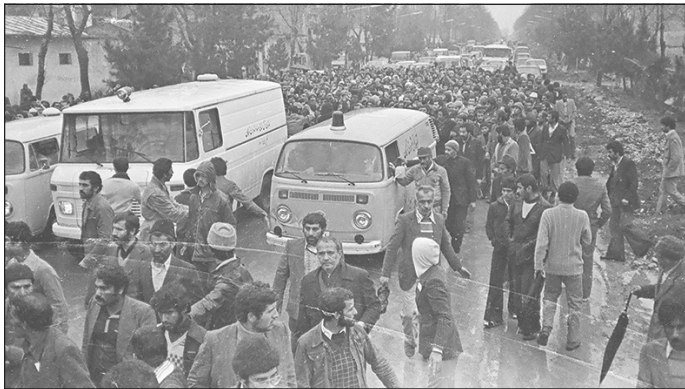
در کنار مسائل پیش گفته، باید به طیف دیگری از مبارزان سرزمین گرگان و دشت اشاره کرد که نقش قابل ملاحظه‌ای در پیشبرد اهداف اولیه انقلاب داشتند. از جمله آنان محمد محمدی گرگانی است که در اواخر دهه‌ی چهل، جزو فعالان سیاسی گرگان به حساب می‌آمد. وی که جزو مجاهدین خلق اولیه بود، از فروردین ۱۳۵۱ تا واپسین ماه‌های حکومت پهلوی، در کمیته مشترک ضد خرابکاری، زندان اوین و قصر به سر برد. (هم‌میهن، ۲۶، خرداد ۱۳۸۶)

رویدادی که در سال ۱۳۵۳ منجر به دستگیری عده‌ای از مبارزان سیاسی گرگان شد، ماجرای

فرار اشرف دهقان از زندان قصر بود که آنان نقشی اساسی در این فرار داشتند. اگر چه عده‌ای چون فاطمه موسوی و محمد نجفی‌نژاد توانستند در تلاشی هماهنگ، اشرف دهقان را از زندان قصر خارج کنند، اما پس مدتی، همه آنان به اتهام دست داشتن در این فرار دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفتند. این افراد در زندان ماندند تا هم‌زمان با پیروزی انقلاب، آزاد و در میان استقبال اهالی گرگان، وارد این شهر شدند. (مراسن، ۱۲۴۲۰)

در آذر سال ۱۳۵۴، شش نفر از مبارزان علی‌آباد، چون علی‌اکبر زنگانه و روح‌الله زنگانه به دلیل مشارکت در مبارزات روحانیون، توسط ساواک شناسایی و در زندان شهربانی گرگان بازداشت شدند. آنان که بهار ۱۳۵۵ از زندان آزاد شدند، فعالیت‌های خود را در منطقه گسترش دادند و در خفا توسط شیخ عبدالنبی احمدی هدایت می‌شدند. (مراسن، ۳۰۳۲۸)

سابقه شکل‌گیری انجمن‌ها و تشکل‌های سیاسی- مذهبی را در منطقه گرگان از سال‌های نخست دهه‌ی ۱۳۴۰ با تأسیس «انجمن نشر فرهنگ اسلامی» و «هیأت منتظرین حضرت مهدی(ع)» می‌توان جست. «انجمن اسلامی معلمان گرگان» در اوایل سال ۱۳۴۴ و «انجمن اسلامی جوانان حق‌جو» در علی‌آباد در سال بعد، شروع به فعالیت کردند و نیز «هیأت متوسلین امام خمینی» و «هیأت موسی بن جعفر(ع)» در دهه پنجاه. (سلیم، ۱۹ بهمن ۱۳۸۷، ۴) اما شکل‌گیری «مکتب علی(ع)» در سال ۱۳۵۲ به همت جمعی از جوانان مذهبی شهر، تحرک دیگری برای فعالیت‌های سیاسی- مذهبی در طول سال‌های بعد بود. فعالیت‌های مکتب علی در سال ۱۳۵۷ به اوج خود رسید. در بخش تئوریک، سخنرانی‌های مکتب علی «...عمدتاً حول محور ضرورت تغییر بنیادین سیاسی و تغییر سلطنت به نظامی دموکراتیک و مبتنی بر حق حاکمیت مردم و حمایت از انقلاب و اندیشه آیت الله خمینی برای سرنگونی شاه



تشییع جنازه شهدای کشتار ۱۹ بهمن گرگان
تاریخ: ۲۰ بهمن ۱۳۵۷ عکاس: محسن حاتم‌نژاد

سازماندهی می‌شد.» در بخش عملی، اعضای مکتب سهم قابل توجهی در سازماندهی مبارزه در سطح منطقه داشتند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۱، ۴۳)

در چنین اوضاع و احوالی، یک رشته رویدادهای دامنه‌دار که پس از درگذشت آیت‌الله سید مصطفی خمینی در شهرهای ایران شکل گرفت، در گرگان نیز آغاز شد، اگر چه تلاش روحانیونی چون سید حبیب‌الله طاهری، سید محمد رئیسی و سید کاظم نورمفیدی برای برگزاری مجلس ترحیم فرزند امام بی‌نتیجه ماند و بخشی از علمای گرگان با آنان همراهی نکردند. (مراسان، ۱۱۷۶۳) برگزاری جلسه‌های روضه خوانی تحریک آمیز در مسجد قائمیه گنبد با سخنرانی شیخ محمد صادق صدیقی، سید جمال الدین موسوی حجازی و شیخ علی بهاء الدینی در اواسط بهمن ۱۳۵۶ و در پی آن، بروز نا آرامی و راهپیمایی در این شهر، نیروهای انتظامی را وارد عرصه کرد و عده‌ای نیز بازداشت شدند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۲، ۲۱۴ و ۲۳۵ و ۲۴۹ و ۲۶۲ و ۲۸۴)

از سوی دیگر، پس از کشته شدن عده‌ای در تبریز در جریان برگزاری چهلم شهدای ۱۹ دی قم، روحانیون گرگان از جمله رئیسی، نورمفیدی، طاهری و شعبانی تصمیم گرفتند مراسم چهلم شهدا را در گرگان برگزار کنند. در نتیجه، روز دهم فروردین ۱۳۵۷ این مراسم در مسجد گلشن برگزار شد و سید محمد رئیسی، حبیب‌الله طاهری و پس از آن‌ها، سید کاظم نورمفیدی به سخنرانی پرداختند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۴، ۳۲۶)

در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۷ به مناسبت چهلم شهدای یزد، جهرم و اهواز، در مسجد جامع گرگان مراسمی برگزار شد و روحانیون پیش گفته به منبر رفتند. سخنان تحریک‌آمیز، یکی از دلایل تبعید آن‌ها بود. (رئیسی، ۱۳۸۶، ۳۲۷)

هم‌زمان با همین رویدادهاست که سخنرانی‌های سید محسن میرغفاری در شهر گنبد، بار دیگر این شهرستان را نا آرام کرد. وی با رأی کمیسیون امنیت اجتماعی گنبد کاووس به دو سال تبعید در تربت جام محکوم شد. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۵، ۷۷) اعتراضات دانشجویان دانشسرای راهنمایی گرگان نیز به همراه دانشجویان مدرسه عالی منابع طبیعی گرگان و انیستیتو علی‌آباد در همین دوران آغاز شد.

با شروع ماه خرداد و نزدیکی به سالگرد واقعه ۱۵ خرداد، فعالیت گروه‌های مبارز بار دیگر شدت یافت. شعار نویسی در خیابان‌های گنبد کاووس، نا آرامی در کردکوی در نهم خرداد و جلسات آیت ... نورمفیدی با آشنایانش در مسجد میدان عباسعلی برای تدارک دیدن تظاهرات در روز ۱۵ خرداد، نمونه‌هایی از این تلاش‌ها بود. در تظاهرات روز ۱۵ خرداد، بیش از چهل نفر به دست پلیس دستگیر شدند. (خارکوهی، ۱۳۸۵، ۳۵۰-۳۴۷)

با اوج‌گیری نا آرامی‌ها در شهرهای ایران از اواخر سال ۱۳۵۶ تا اواسط تیر ماه ۱۳۵۷، شصت و سه نفر از روحانیون و افراد مذهبی که به نحوی در این رویدادها دخالت داشتند، طبق رأی کمیسیون امنیت اجتماعی، به یک تا سه سال تبعید در مناطق بد

آب و هوا محکوم شدند که از جمله مخالفان سیاسی گرگان و دشت، سیدکاظم نورمفیدی، مرتضی ناظم زاده زمردی، حبیب الله طاهری، محمد رئیسی و علی اصغر معصومی بودند. (مرکزبررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۶، ۲۹-۲۷) ماجرای تبعید پنج نفر از مبارزان گرگان توسط سرلشکر منصور مزین، نماینده مخصوص شاه در گرگان و دشت، پی گیری می شد و سرانجام با تأکید مستقیم محمدرضا شاه، استاندار با تبعید آن‌ها موافقت کرد. (خارکوهی، ۱۳۸۵، ۲۴۴) چندی بعد، سیدمحمد رئیسی و علی اصغر معصومی با توصیه های آیت الله شیرازی و به فرمان شاه بخشیده شدند. (مرکزبررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۷، ۱۰۵-۱۰۴) در اواسط آبان نیز سیدکاظم نورمفیدی و حبیب الله طاهری در میان استقبال اهالی، وارد گرگان شدند. (خارکوهی، ۱۳۸۵، ۲۶۷-۲۶۶)

شروع ماه رمضان موج تازه ای از مبارزات مردمی را در شهرهای گنبدکاووس، بندرگز، گرگان و علی آباد در پی داشت. در روز عید فطر نیز حدود دوهزار نفر از مردان و زنان گرگانی از مسجد گلشن خارج شدند و با دادن شعارهای مذهبی به طرفداری از امام خمینی، از خیابان های اصلی شهر عبور کردند و پس از راهپیمایی به مسجد بازگشتند. (مرکزبررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۱۰، ۴۳۳ و ۴۳۱) آنان «...با دادن شعارهای مذهبی و سیاسی، خواستار اجرای عدالت اجتماعی، بازگشت حضرت آیت الله العظمی خمینی، آزادی زندانیان سیاسی و تبعیدشدگان سیاسی شدند.» (کیهان، ۱۴ شهریور ۱۳۵۷)

تظاهرات مشابهی نیز پس از اتمام نماز عید فطر در گالیکش روی داد. نمازگزاران که حدود ۲۰۰ نفر بودند، ضمن سینه زدن، شعارهایی با عنوان درود بر خمینی، مرگ بر این حکومت یزیدی سر دادند. (مراسان، ۸۵، ۳۸۱) روز بعد، گروهی از جوانان مینودشت، گالیکش، شاه پسند، علی آباد، گنبد در شهر گنبد به تظاهرات



تجمع مردم انقلابی گرگان در مقابل ورودی پادگان لشکر گرگان
تاریخ: ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ عکاس: محسن حاتم نژاد

پرداختند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۱۱، ۲۹۷)

در اواسط شهریور ۱۳۵۷، اعتصابات و تعطیلی به گونه‌ای چشمگیر در گرگان و دشت شروع شد. بسته شدن مغازه‌های گرگان و علی آباد، اعتصاب کارمندان اداراتی چون اداره پست گرگان، اداره دارایی گنبد و سازمان تعاونی روستایی در نیمه دوم شهریور، آغازی بر یک رشته اعتصابات بود که در طول ماه‌های بعد ادامه یافت. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۱۱، ۱۲۹-۱۲۸)

این ماجرا به تدریج در سایر ادارات این حوزه تسری یافت و در اواسط مهر، اداراتی چون دادگستری، دخانیات، برق، بهداری، فرهنگ و هنر گنبد کاووس و گرگان در اعتصاب به سر می‌بردند و نیز کارکنان این ادارات در رامیان، بندرشاه، مینودشت و دیگر بخش‌ها. (کیهان، ۱۶ مهر ۱۳۵۷)

در اواخر مهر، اعتصاب کارکنان جمعیت شیر و خورشید سرخ بندرگز و کارکنان بیمارستان کورش کبیر این شهر، استعفای هیأت مدیره و هیأت بازرسی این اداره را در پی داشت. (آیندگان، ۲۷ مهر ۱۳۵۷) اعتصابات از این دست در طول ماه‌های بعدی در ادارات این حوزه کم و بیش ادامه یافت. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۱۵، ۹۶ و ۹۷)

در خلال این اعتصابات، یکی از رویدادهایی که درخور توجه است، کمک کارمندان دولتی ادارات گرگان و دشت به زلزله زدگان طبس - که در زلزله ۲۵ شهریور به شدت آسیب دیده بودند - می‌باشد. (مراسان، ۲۵۲۵)

در مهرماه ۱۳۵۷، تظاهرات خیابانی در گرگان و دشت گسترش فراوان یافت که مسأله مسافرت امام به فرانسه و درگیری در مسجد کرمان در چهلمین روز واقعه ۱۷ شهریور، از مهم‌ترین دلایل آن به شمار می‌رود. در ۱۷ مهر، دانش‌آموزان و فرهنگیان گرگان در مسجد جامع شهر و سه روز بعد، مردم شهر در صحن امامزاده عبدالله اجتماع کردند و پس از آن به راهپیمایی در خیابان پهلوی پرداختند. در فلکه شهرداری گرگان، سخنرانان از مردم خواستند که روز ۲۶ مهر به مناسبت چهلمین روز شهادت تهران در محل امامزاده عبدالله اجتماع کنند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۱۳، ۳۰۰)

در میان تظاهرات گوناگون و مشابهی که در سراسر منطقه در این روزها برپا می‌شد، برای تظاهرات برای اعتراض به آتش کشیده شدن مسجد کرمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، زیرا از آن پس، اعتراضات و تظاهرات حالت مستمر به خود گرفت. (رئیس، ۱۳۸۶، ۳۴۳)

در نخستین روزهای آبان، گرگان عظیم‌ترین تظاهرات خود را تا به آن روز تجربه کرد. در این تظاهرات که به خشونت کشیده شد و خسارت فراوانی به ادارات، مؤسسات و مغازه‌های شهر وارد آمد، نخستین بار مردم به سوی ساختمان ساواک سرازیر و با عوامل ساواک درگیر شدند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۱۴، ۶۱-۶۰)

پس از این تظاهرات، شهرگرگان «...به شکل ماتمکده درآمد و سکوت بی‌سابقه‌ای این

شهر را فرا گرفت.» ادارات دولتی به حالت نیمه تعطیل درآمد؛ بازار و بانک‌ها کاملاً تعطیل شد و رفت و آمد در خیابان‌های اصلی شهر به دلیل آتش‌سوزی و تخریب غیرممکن بود. (اطلاعات، ۳ آبان ۱۳۵۷) هم‌زمان با گرگان، در بخش‌های دیگر مانند علی‌آباد، گالیکش و فاضل‌آباد، ناآرامی‌هایی گزارش شد. (کیهان، ۳ آبان، ۱۳۵۷)

در واکنش به تخریب‌های صورت گرفته، عده‌ای از هواداران سلطنت پهلوی «...تظاهرات دامنه داری به حمایت از دولت در گرگان...» انجام دادند. «...عده‌ای موتور سیکلت سوار با چراغ‌های روشن در حالی که پرچم ایران را به همراه داشتند، از خیابان‌های شهر گذشتند و با ایراد سخنرانی در فلکه شهرداری، به حمایت از دولت پرداختند.» (اطلاعات، ۶ آبان ۱۳۵۷) هم‌زمان با این رویدادها، اعلامیه‌ای از سوی علمای گرگان برای محکوم کردن خشونت‌های اخیر صادر و از رادیو چندین بار پخش شد. اما دستگاه‌های اطلاعاتی، این اعلامیه را با کمی تغییر به نفع خود جلوه دادند و باعث واکنش روحانیون گرگان شدند. در ششم آبان، چند هزار نفر از طبقات مختلف مردم گرگان دست به تظاهرات خیابانی وسیع زدند و به آتش کشیدن ده‌ها مغازه، مؤسسه و بانک در آغازین روزهای آبان را محکوم کردند. (کیهان، ۶ آبان ۱۳۵۷)

چند روز پس از آزادی آیت الله طالقانی و آیت الله منتظری از زندان، عده‌ای از جوانان انقلابی گرگان از زندان آزاد شدند. آنان به صورت دسته جمعی وارد شهر شدند و مورد استقبال گسترده مردم قرار گرفتند. از جمله این افراد محمد محمدی، حسین خراسانی، حسن محمدی، فاطمه موسوی، زین‌العابدین رئیسی، محمدتقی نجفی نژاد و حجت الله بنی‌عامری بودند، ورود آنان، بیش از پیش مردم را به حرکت درآورد. مجاهدین خلق



تجمع مردم انقلابی در مقابل شهربانی گرگان
تاریخ: ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ عکاس: محسن حاتم‌نژاد

نیز از این دوران به بعد، فعالیت‌های خود را در گرگان به صورت علنی‌تر، گسترش دادند. (اطلاعات، ۷، آبان، ۱۳۵۷)

تظاهرات بی‌شمار در نواحی مختلف گرگان و دشت، اعتراض به روی کار آمدن حکومت نظامی و اعلام اعتصاب عمومی در ۱۷ و ۱۸ آبان از سوی علمای گرگان، در پی آن اعلام عزای عمومی در ۱۹ و ۲۰ آبان (مرکزبررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۱۵، ۳۵۰) و تحصن در دادگستری این شهر برای رهایی دستگیرشدگان تظاهرات ۲۲ آبان، از مهم‌ترین رویدادهای نیمه دوم آبان به شمار می‌رفت. (مرکزبررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۱۶، ۱۱۶)

در پی حمله مأموران حکومتی در ۲۹ آبان به مردمی که در حرم امام رضا (ع) متحصن بودند، چند نفر کشته و زخمی شدند که از جمله آن‌ها، دانشجوی گرگانی دانشگاه فردوسی، محمد مقصدولود بود. به علت این رویداد، امام خمینی، آیت الله مرعشی و آیت الله شریعتمداری روز ۲۵ ذی‌الحجه / ۵ آذر را عزای عمومی اعلام کردند. در صبح روز پنج آذر، مردم گرگان از «...روحانیون، معلمین، محصلین، دانشجویان و کارمندان، فرهنگیان دسته دسته در امامزاده عبدالله جمع...» شدند. (خارکوهی، ۱۳۸۷، ۶۲۳) پس از آن که اطلاع حاصل شد مأموران شهربانی قصد برخورد جدی با تظاهرکنندگان را دارند، گردانندگان اصلی ماجرا تصمیم گرفتند که جمعیت را به بیرون رفتن از امامزاده ترغیب نکنند، ولی عده‌ای مخالفت کردند و برای تظاهرات به بیرون از امامزاده رفتند. (رئیس، ۱۳۸۶، ۳۴۷-۳۴۶) مسببان اصلی کشیده شدن تظاهرات به خیابان‌ها در گزارش‌های ساواک، سید صادق ریاضی، شیخ رسول رضایی و سید حبیب‌الله طاهری معرفی شدند. (مرکزبررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۱۷، ۲۲۸) این تظاهرات سرانجام به خشونت کشیده شد و ۹ نفر شهید و شصت و چهار نفر نیز مجروح شدند. (مراسان، ۸۶، ۹۹۶) پنج آذر از آن روی در تاریخ انقلاب اسلامی در گرگان شاخص شد که برای نخستین بار، مأموران شهربانی به صورت دسته جمعی بر روی تظاهرکنندگان آتش گشودند و عده‌ای قابل ملاحظه‌ای را به خاک و خون کشیدند.

با فرا رسیدن ماه محرم، بهت‌زدگی ناشی از حادثه ۵ آذر در محرم، جای خود را به تدریج به حضور دوباره در صحنه داد. ظاهراً در راه‌اندازی دوباره‌ی تظاهرات در گرگان، جوانان مکتب علی (ع) نقش بسزایی داشتند. (سلیم، ۱۹ بهمن ۱۳۸۷) از جمله وقایع قابل ذکر در این دوران، انفجار خانه‌ای در علی‌آباد متعلق به عبدالنبی احمدی در شب عاشورا بود که چند تن از مبارزان از آن به عنوان محلی تهیه نارنجک دستی استفاده می‌کردند. در این حادثه، عباس زنگنه در دم جان سپرد و الیاس نادران به شدت زخمی شد. (مراسان، ۸۸۰۳)

در روزهای پس از عاشورا نیز بخش‌های مختلف گرگان و دشت شاهد تظاهرات انقلابیون و بعضاً تظاهرات هواداران حکومت پهلوی بود، (مراسان، ۸۶، ۱۱۳۵) اما یکی از حوادثی که نقطه‌ی آغاز آن به رویارویی هواداران دولت شاهنشاهی و انقلابیون بازمی‌گشت، ماجرای ۱۲ دی گالیکش بود. در روز ۱۲ دی، درگیری مسبوق به سابقه‌ی طرفداران حکومت شاهنشاهی

و گروه‌های طرفدار حکومت اسلامی حادثه آفرید و افرادی که از گنبد و مینودشت برای همراهی با انقلابیون به گالیکش رفته بودند، در راه بازگشت، هدف گلوله مأموران ژاندارمری و شهربانی قرار گرفتند. در این حادثه، هفت تن کشته و بیست و پنج نفر زخمی شدند. انعکاس این حادثه در منطقه بیش از پیش موجب مخالفت با حکومت پهلوی شد. در ۱۸ و ۱۹ دی، گروه زیادی از مردم گنبد کاووس به یادبود واقعه ۱۲ دی، دست به راهپیمایی گسترده زدند و «... از سوی دیگر فرهنگیان، کارکنان شبکه بهداشتی و بهزیستی، اداره کشاورزی و چند اداره دیگر این شهر، یک روز حقوق خود را برای کمک به بازماندگان شهدای گالیکش اختصاص دادند.» و یکی از مدارس به مدرسه «شهدا» نام‌گذاری شد. پس از پیروزی انقلاب نیز در اوایل مرداد، سه تن از مسببین اصلی این رویداد به حکم دادگاه انقلاب اسلامی به اعدام محکوم شدند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۲۳، ۸۶)

اواسط دی‌ماه، بیشتر بخش‌های گرگان و دشت، اوضاع ناآرام و متشنجی داشت. به هم خوردن نظم اجتماعی و کمبود مواد سوختی، باعث برخی درگیری در منطقه شد. (کیهان، ۱۳۵۷ دی ۱۹)

از سوی دیگر، ماجرای شهادت غلامرضا اسدی عرب که یکی از معلمان مبارز بندرگز بود و آتش گشودن مأموران ژاندارمری به مردم حاضر در مجلس ترحیم او، اوضاع وخیمی را پیش آورد. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، ۲۳، ۱۶۲) در این ماجرا، هشت نفر شهید و بیش از بیست نفر مجروح شدند. (کیهان، ۱۳۵۷ دی ۱۹)

در روز اربعین (۲۹ دی)، تظاهرات باشکوهی با شرکت ده‌ها هزار نفر در گرگان برگزار شد. مردم پس از اجتماع در فلکه سرخواجه، به امام‌زاده عبدالله رفتند و در مزار شهدای ۵ آذر به سخنرانی‌ها گوش فرا دادند. در این اجتماع، آیت الله نورمفیدی فلسفه حکومت جمهوری اسلامی را تشریح کردند. (کیهان، ۳۰ دی ۱۳۵۷)

روز ۷ بهمن ۲۸ صفر، گروه زیادی از مردم گرگان، علی‌آباد، مینودشت، بندرشاه و گالیکش دست به تظاهرات زدند و خواسته‌های خود را که در تظاهرات تاسوعا و عاشورا اظهار کرده بودند، تکرار کردند. (اطلاعات، ۸ بهمن ۱۳۵۷) پلیس با تظاهر کنندگان گرگان به مقابله برخاست و به سوی آنان تیراندازی کرد. در این رویارویی، دو نفر به شهادت رسیدند و بیش از سی نفر مجروح شدند. (کیهان، ۸ بهمن ۱۳۵۷) مجلس ترحیم شهدای گرگان در روز ۹ بهمن در مسجد گلشن برگزار و بازار گرگان به همین مناسبت تعطیل شد. (کیهان، ۱۰ بهمن ۱۳۵۷)

یکی از نکات قابل اشاره در این دوران، ساماندهی گروه‌های مردمی برای برقراری نظم و امنیت در سراسر منطقه گرگان و دشت بود، از رامیان، مینودشت و گنبد کاووس گرفته تا گرگان و بندرگز. (کیهان، ۱۹ بهمن ۱۳۵۷) در همین روزها، به دستور کمیته همبستگی، بازار گرگان به مدت یک هفته تعطیل شد و مغازه‌ها نیز از ساعت ۸ شب تا ۶ صبح باز بود و مردم

شب‌ها خرید می‌کردند. (اطلاعات، ۱۷ بهمن ۱۳۵۷)

در آستانه ورود امام خمینی به ایران، هزاران نفر از مردم گرگان به عنوان اعتراض به کشتارهای اخیر، در بیمارستان ۵ آذر تحصن کردند. (کیهان، ۱۲ بهمن ۱۳۵۷) این تحصن با ورود نماینده آیت الله طالقانی چند روز قبل از پیروزی انقلاب خاتمه یافت. (اطلاعات، ۱۸ بهمن ۱۳۵۷) با انتشار خبر ورود قریب الوقوع امام خمینی به ایران، گروهی از مردم گرگان به تهران رفتند و در مسجد لرزاده مستقر شدند. با قطعی شدن ورود امام، کمیته استقبال، تعدادی را به صورت ویژه برای حضور در مراسم استقبال در فرودگاه مهرآباد دعوت کرد که از آن جمله سید کاظم نورمفیدی و محمد محمدی بودند. پس از انجام استقبال، جمعیت گرگان به شهر خود بازگشتند. (خارکوهی، ۱۳۸۵، ۲۷۸-۲۷۶)

پس از انتصاب مهندس مهدی بازرگان به نخست وزیری در ۱۷ بهمن، سراسر گرگان و دشت صحنه تظاهرات به پشتیبانی از او شد. (کیهان، ۱۸ بهمن ۱۳۵۷) آخرین روزهای حکومت پهلوی در گرگان و دشت با سه حادثه همراه بود؛ حمله مأموران حکومتی به مردم به انتقام کشته شدن یک پاسبان، تظاهرات شاه‌دوستان در گنبد و تصرف شهرداری گرگان به دست مردم و در پی آن، کشته شدن چندین پاسبان و افسر.



تجمع مردم انقلابی در مقابل شهرداری گرگان و برداشتن نشان شیر و خورشید و عنوان پادشاهی پهلوی از روی دیوار شهرداری
تاریخ: ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ عکاس: محسن حاتم‌نژاد

مأموران شهرداری پس از کشته شدن یک پاسبان به دست مردم، به خیابان‌ها ریختند و شروع به تیراندازی به سوی مردم کردند و چندین خانه و مغازه را به آتش کشیدند. در این حادثه، چهار نفر شهید شدند. (اطلاعات، ۲۱ بهمن ۱۳۵۷) هم‌زمان با خاکسپاری جان‌باختگان گرگان در گنبد، تظاهراتی به نفع حکومت صورت گرفت. در این حادثه نیز با در هم شکستن خانه‌ها و مغازه‌هایی که در مسیر همراه بود، سه نفر جان باختند. (اطلاعات، ۲۱ بهمن ۱۳۵۷)

در واپسین روز حکومت پهلوی، پس از تسلیم شدن شهرداری گرگان، مردم به شهرداری ریختند و به تلافی درگیری‌ها و کشتارهای چند ماه گذشته، شانزده نفر از پاسبانان و افسران را کشته که

سروان منوچهری از عاملان اصلی حمله به مردم، جزو آن‌ها بود. (کیهان ۲۳، بهمن ۱۳۵۷) اندکی بعد، در اردیبهشت ۱۳۵۸، دادگاه انقلاب اسلامی گرگان، سرگرد کیومرث سلیمی زاده، عامل اصلی کشتار گرگان را به اعدام محکوم کرد. (خارکوهی، ۱۳۸۵، ۲۹۱)

با پیروزی انقلاب، نهادهای انقلابی در گرگان و دشت برپا شدند و به رسیدگی امور جاری و محاکمه هواداران حکومت پهلوی پرداختند. شکل‌گیری نهادهای نوپا و عملکرد آن‌ها و نیز تلاش گروه‌های سیاسی در ماه‌های نخست پس از پیروزی انقلاب، خود عامل یک رشته رویدادهای مهم و حساس در منطقه گرگان و دشت شد.

منابع:

- حوزه هنری. (۱۳۷۴). خاطرات هادی غفاری: تهران. حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- خارکوهی، غلامرضا. (۱۳۸۵). خاطرات آیت الله نورمفیدی: تهران. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خارکوهی، غلامرضا. (۱۳۸۷). حماسه ۵ آذر سال ۵۷ گرگان: قم. رازبان.
- روزنامه انقلاب اسلامی
- روزنامه کیهان.
- روزنامه گلشن مهر.
- روزنامه هم‌میهن.
- رئیس، سید محمد، (۱۳۸۶) خاطرات حجت الاسلام سید محمد رئیسی گرگانی. گرگان. پیک ریحان.
- سینفی، محمدمهدی. (۱۳۸۵). خاطرات شیخ احمد سالک: تهران. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)
- مرکز بررسی اسناد تاریخی. (۱۳۷۶). انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک. تهران. سروش.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی. (۱۳۷۷). یاران امام به روایت اسناد ساواک: کتاب چهارم (شهید آیت الله سید اسدالله مدنی). تهران. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- مرکز بررسی‌های تاریخی، (۱۳۸۷). قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد: جلد ۷. تهران. مرکز بررسی‌های تاریخی
- معادی‌خواه، عبدالمجید. (۱۳۸۷). جام شکسته: (خاطرات حجت السلام عبدالمجید معادی‌خواه). جلد ۳. تهران. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- هفته نامه سلیم. ویژه نامه سی‌امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران.